

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

علوم و فنون ادبی (۲)

رشته های ادبیات و علوم انسانی — علوم و معارف اسلامی

پایه یازدهم

دوره دوم متوسطه

۱۳۹۶



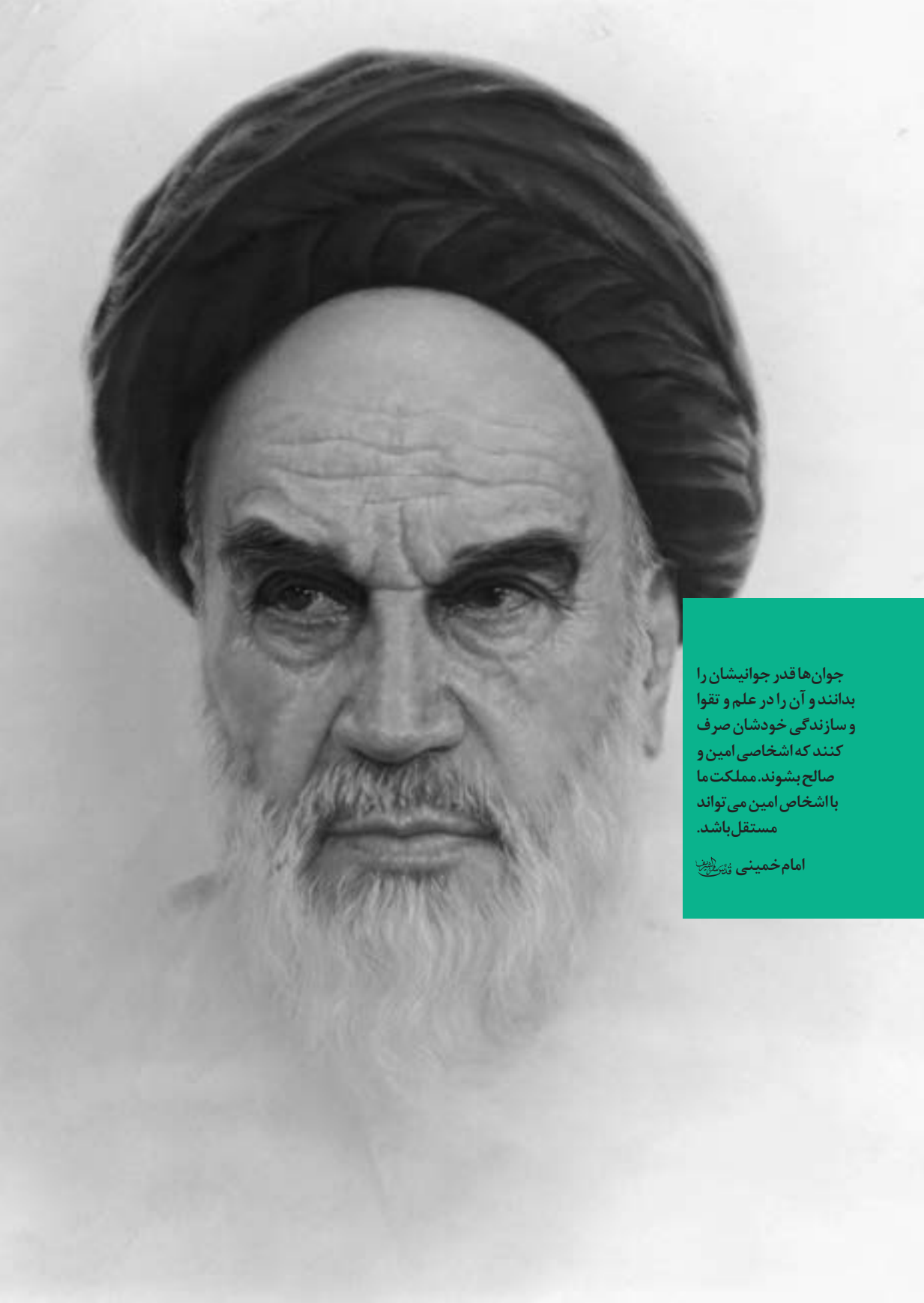
وزارت آموزش و پرورش

سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

- نام کتاب: علوم و فنون ادبی (۲) پایه یازدهم دوره دوم متوسطه - ۱۱۱۲۰۳
- پدیدآورنده: سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
- مدیریت برنامه‌ریزی درسی و تألیف: دفتر تألیف کتاب‌های درسی عمومی و متوسطه نظری
- شناسه افزوده برنامه‌ریزی و تألیف: محی‌الدین بهرام محمدیان، حسین قاسم‌پور مقدم، رضا مراد صحرانی، عباسعلی وفائی، سهیلا صلاحی مقدم، مریم عاملی رضائی، شهین نعمت‌زاده، مریم دانشگر، محمدرضا سنگری، شهناز عبادتی، حجت حصاری کجانی، نادر یوسفی و محمد نوریان (اعضای شورای برنامه‌ریزی)
- مدیریت آماده‌سازی هنری: حسین قاسم‌پور مقدم، نادره شاه‌آبادی، احمد تمیم‌داری، فریدون اکبری شلدره، غلامرضاعمرانی، علی اکبر کمالی نهاد و علی واسوجویباری (اعضای گروه تألیف) - حسین داودی (ویراستار)
- شناسه افزوده آماده‌سازی: اداره کل نظارت بر نشر و توزیع مواد آموزشی
- نشرانی سازمان: لیدا نیک‌روش (مدیر امور فنی و چاپ) - جواد صفری (مدیر هنری و طراح جلد) - الهه یعقوبی نیا (صفحه‌آرا) - مرضیه اخلاقی، سیف‌الله‌بیک محمد دلپوند، حسین قاسم‌پور اقدام، کبری اجابتی، مریم دهقان‌زاده و راحله زادفتح‌اله (امور آماده‌سازی)
- نشانی سازمان: تهران: خیابان ایرانشهر شمالی - ساختمان شماره ۴ آموزش و پرورش (شهید موسوی)
تلفن: ۸۸۸۳۱۱۶۱-۹، دورنگار: ۸۸۳۰۹۲۶۶، کد پستی: ۱۵۸۴۷۴۷۳۵۹
- وبگاه: www.irtextbook.ir و www.chap.sch.ir
- ناشر: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران: تهران - کیلومتر ۱۷ جاده مخصوص کرج - خیابان ۶۱ (داروپخش) تلفن: ۵-۴۴۹۸۵۱۶۱، دورنگار: ۴۴۹۸۵۱۶۰، صندوق پستی: ۳۷۵۱۵-۱۳۹
- چاپخانه: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران «سهامی خاص»
چاپ اول ۱۳۹۶

شابک ۹۷۸-۹۶۴-۰۵-۲۷۶۸-۹

ISBN: 978-964-05-2768-9

A black and white portrait of Ayatollah Khomeini, showing him from the chest up. He is wearing a dark turban and has a full, white beard and mustache. His expression is serious and contemplative. The background is a plain, light color.

جوان‌ها قدر جوانیشان را
بدانند و آن را در علم و تقوا
و سازندگی خودشان صرف
کنند که اشخاصی امین و
صالح بشوند. مملکت ما
با اشخاص امین می‌تواند
مستقل باشد.

امام خمینی رهبر

کلیه حقوق مادی و معنوی این کتاب متعلق به سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش است و هرگونه استفاده از کتاب و اجزای آن به صورت چاپی و الکترونیکی و ارائه در پایگاه‌های مجازی، نمایش، اقتباس، تلخیص، تبدیل، ترجمه، عکس برداری، نقاشی، تهیه فیلم و تکثیر به هر شکل و نوع، بدون کسب مجوز، ممنوع است و متخلفان تحت پیگرد قانونی قرار می‌گیرند.

۶ پیشگفتار: سخنی با دبیران ارجمند

۱۰ ستایش: الهی

۱۱ فصل یکم:

۱۲ درس یکم: تاریخ ادبیات فارسی در قرن‌های ۷ و ۸ و ۹

۲۱ درس دوم: پایه‌های آوایی

۲۸ درس سوم: تشبیه

۳۶ کارگاه تحلیل فصل

۳۷ فصل دوم:

۳۸ درس چهارم: سبک‌شناسی قرن‌های ۷ و ۸ و ۹ (سبک عراقی)

۴۴ درس پنجم: پایه‌های آوایی همسان (۱)

۵۲ درس ششم: مجاز

۵۷ کارگاه تحلیل فصل

۵۹ فصل سوم:

۶۰ درس هفتم: تاریخ ادبیات فارسی در قرن‌های ۱۰ و ۱۱

۶۵ درس هشتم: پایه‌های آوایی همسان (۲)

۷۳ درس نهم: استعاره

۷۹ کارگاه تحلیل فصل

۸۱ فصل چهارم:

۸۲ درس دهم: سبک‌شناسی قرن‌های ۱۰ و ۱۱ (سبک هندی)

۹۰ درس یازدهم: پایه‌های آوایی همسان دو لختی

۹۷ درس دوازدهم: کنایه

۱۰۲ کارگاه تحلیل فصل

۱۱۰ نیایش

۱۱۱ منابع



پیشگفتار

سخنی با دبیران ارجمند

برنامه درسی زبان و ادبیات فارسی در نظام آموزشی ایران اسلامی، جایگاهی ارزشمند دارد؛ چرا که از یک سو حافظ میراث فرهنگی و از سوی دیگر مؤثرترین ابزار انتقال علوم، معارف، ارزش‌های اعتقادی، فرهنگی و ملی است. ادب و فرهنگ ایران اسلامی، عصاره افکار و اندیشه‌های ملتی فرهیخته و دانشور است که در نشیب و فراز حادثه‌ها، با تکیه بر باورهای ریشه‌دار خویش، میراثی ارجمند و گران سنگ را به یادگار گذاشته است. توانایی و مهارت در خوانش، بررسی و تحلیل این آثار ارزشمند، خواننده را با گنجینه گران‌بهای متون ادبی گذشته و امروز آشنا می‌سازد و او را به سیر و سلوک در آفاق روشن و گسترده معرفت و حقیقت توانمند می‌نماید. برای تحقق این هدف برنامه درسی زبان و ادبیات فارسی، بایسته و شایسته است دانش‌آموزان ضمن آشنا شدن با علوم ادبی، در فنون ادبی نیز مهارت لازم را کسب کنند تا از این طریق بتوانند در زندگی خود با آثار ادبی برخوردی مناسب داشته باشند.

بر این اساس، کتاب علوم و فنون ادبی پایه یازدهم، از چهار فصل تشکیل شده است. محتوای هر فصل نیز شامل سه درس به صورت ترکیبی از علوم و فنون ادبی به شرح زیر است:



■ **درس یکم:** تاریخ ادبیات یا سبک شناسی؛

■ **درس دوم:** موسیقی شعر؛

■ **درس سوم:** زیبایی شناسی شعر.

هر فصل با درس تاریخ ادبیات یا سبک شناسی آغاز می‌شود. در درس‌های تاریخ ادبیات و سبک‌شناسی، سیر تاریخی زبان و ادبیات فارسی از قرن هفتم تا یازدهم تبیین می‌شود و در کنار ویژگی‌های تاریخی، به ویژگی‌های سبکی آثار نظم و نثر ادبی نیز پرداخته می‌شود. به این ترتیب خواننده با ویژگی‌های زبانی، ادبی و فکری متون ادبی آشنا می‌شود. بدین ترتیب در هر فصل بعد از تاریخ ادبیات یا سبک‌شناسی، یک درس عروض آموزش داده می‌شود تا خواننده با یادگیری آن بتواند در برخورد با متون نظم وزن آن را تشخیص دهد، سپس درس سوم هر فصل به زیبایی شناسی می‌پردازد. در زیبایی شناسی دانش آموز با سطحی دیگر از قلمرو ادبی؛ یعنی با عناصر علم بیان (تشبیه، مجاز، استعاره و کنایه) آشنا می‌شود و آموخته‌هایش را در متون ادبی به کار می‌بندد.

برای تعمیق آموخته‌ها مجموعه فعالیت‌هایی در متن و پایان درس‌ها و فصول طراحی و تدوین شده است. فعالیت‌های متن درس مطالب خاصی را در حین آموزش دنبال می‌کند. فعالیت‌های پایان دروس دانش آموز را به کسب مهارت در فنون ادبی آموخته شده ترغیب می‌کند. فعالیت‌های پایان فصول نیز با عنوان کارگاه تحلیل، نمونه‌هایی در اختیار خواننده می‌گذارد تا موارد آموخته شده در کل فصل را به طور عملی به کار بندد. نمونه‌های طرح شده در فعالیت‌ها، برگرفته از متون ادبی است و با محتوای درس کاملاً پیوسته است که انجام دقیق این تمرین‌ها به درک و فهم بهتر متن، کمک می‌کند.

به همین منظور و برای اثربخشی بهتر فرایند آموزش، توجّه همکاران ارجمند را به نکات زیر، جلب می‌کنیم:

■ **رویکرد خاص برنامه فارسی آموزی، رویکرد مهارتی است؛** یعنی بر آموزش و تقویت مهارت‌های زبانی، فرازبانی و ادبی تأکید دارد و ادامه منطقی کتاب‌های فارسی دوره



ابتدایی، دورهٔ متوسطه اوّل و پایهٔ دهم است؛ به همین روی، لازم است همکاران گرامی از ساختار و محتوای کتاب‌های پیشین، آگاهی داشته باشند.

■ رویکرد آموزشی کتاب، رویکرد فعالیت بنیاد و مشارکتی است؛ بنابراین، طراحي و به کارگیری شیوه‌های آموزشی متنوع و روش‌های همیاری و گفت‌وگو توصیه می‌شود. حضور فعال دانش‌آموزان در فرایند یاددهی — یادگیری، کلاس را سرزنده، بانشاط و آموزش را پویاتر می‌سازد و به یادگیری، ژرفای بیشتری می‌بخشد.

■ با توجه به رویکرد مهارتی، آنچه در بخش بررسی متن اهمیت دارد؛ کالبد شکافی عملی متون است. در این بخش فرصت می‌یابیم تا متن‌ها را پس از خوانش، در سه قلمرو بررسی کنیم. این کار، سطح درک و فهم فراگیران را نسبت به محتوای اثر، فراتر خواهد برد. یکی از آسان‌ترین و کاربردی‌ترین شیوه‌های بررسی، کالبد شکافی و تحلیل هر اثر، این است که متن در سه قلمرو بررسی شود: زبانی، ادبی و فکری.

۱. قلمرو زبانی

این قلمرو، دامنه گسترده‌ای دارد؛ از این رو، آن را به سطوح کوچک‌تر تقسیم می‌کنیم: الف) سطح واژگانی: در اینجا، لغت‌ها از نظر فارسی یا غیرفارسی بودن، نوع ساختمان (ساده، مشتق و مرکب)، روابط معنایی کلمات از قبیل ترادف، تضاد، تضمّن، تناسب، نوع گزینش و همچنین درست‌نویسی واژه‌ها بررسی می‌شود. ب) سطح دستوری یا نحوی: در اینجا، متن از دید ترکیبات و قواعد دستوری، کاربردهای دستوری تاریخی و کوتاهی و بلندی جمله‌ها بررسی می‌شود.

۲. قلمرو ادبی

در اینجا، شیوهٔ نویسنده در به کارگیری عناصر زیبایی آفرین در سطح‌های زیر، بررسی می‌شود: الف) سطح آوایی یا موسیقایی: در این مرحله، متن را از دید وزن، قافیه، ردیف و آرایه‌های بدیع لفظی مثل واج‌آرایی، تکرار، سجع، جناس، و ... بررسی می‌کنیم. ب) سطح بیانی: بررسی متن از دید مسائل علم بیان نظیر تشبیه، مجاز، استعاره و کنایه؛



پ) سطح بدیع معنوی: بازخوانی متن از دید تناسب‌های معنایی همچون تضاد، ایهام، مراعات نظیر و ...

۳. قلمرو فکری

در این مرحله، متن از نظر ویژگی‌های فکری، روحیات، اعتقادات، گرایش‌ها، نوع نگرش به جهان و دیگر جنبه‌های فکری، بررسی می‌شود.

■ در آموزش، به‌ویژه، در درس‌های تاریخ ادبیات و سبک‌شناسی، از بیان مطالب اضافی که به انباشت دانش و فرسایش ذهنی دانش‌آموزان، منجر می‌شود، پرهیز گردد.

امیدواریم آموزش این کتاب، به رشد و شکوفایی زبان و ادب فارسی و پرورش شایستگی‌ها در نسل جوان، یاری رساند و به گشایش کرانه‌های امید و روشنایی، فراروی آینده‌سازان ایران عزیز بینجامد.



گروه زبان و ادبیات فارسی

دفتر تألیف کتاب‌های درسی عمومی و متوسطه نظری

www.literature-dept.talif.sch.ir





ستایش

الهی!

الهی شعله شوقم فزون ساز	مرا آتش کن و در عالم انداز
الهی ذره‌ای آگاهی‌ام بخش	رهم بنما و بر گمراهی‌ام بخش
ز دانش گوهر پاکم برافروز	چراغ چشم ادراکم برافروز
عطا کن جذبه شوق بلندی	که نه دامی به ره ماند نه بندی
خرد را چاشنی بخش از کلامم	زبان را چرب و شیرین کن به کامم
دل‌م را چشمه نور یقین ساز	در این تاریکی‌ام باریک‌بین ساز



(محمد طالب آملی، ۱۰۳۶ — ۹۸۷ هـ. ق)

فصل یکم

تاریخ ادبیات فارسی در قرن های ۷ و ۸ و ۹

درس یکم

پایه های آوایی

درس دوم

تشبیه

درس سوم

* کارگاه تحلیل فصل

درس یکم

تاریخ ادبیات فارسی
در قرن هفتم، هشتم و نهم

قرن هفتم

سال گذشته با تاریخ ادبیات ایران در قرن‌های اولیهٔ هجری تا قرن ششم آشنا شدیم و دریافتیم که برخی از عوامل سیاسی و اجتماعی مثل روی کار آمدن حکومت‌های غزنوی و سلجوقی و تغییر مرکز ادبی و سیاسی از خراسان به عراق عجم، زمینه‌های تغییر سبک را در متون زبان فارسی پدید آورد و خواندیم که سبک‌های «بینابین» و «آذربایجانی» از «سبک خراسانی» فاصله گرفتند و کم‌کم «سبک عراقی» پدید آمد.

سبک عراقی از اوایل قرن هفتم تا اوایل قرن دهم به مدت ۳۰۰ سال سبک غالب متون ادب فارسی بود. مغولان در اوایل قرن هفتم (۶۱۶ هـ. ق.) به نواحی مرزی ایران حمله کردند و بعد به تدریج بر نواحی دیگر هم چیرگی یافتند و به نظام اقتصادی، کشاورزی و فرهنگی ایران آسیب‌های عمده‌ای رساندند. خراسان که کانون فرهنگی ایران بود، ویران شد و بسیاری از مدارس، که مهد علم و فرهنگ بودند، از بین رفتند و بزرگانی چون نجم‌الدین کبری و فریدالدین عطار نیشابوری در یورش ویرانگر مغول، کشته شدند. کمال‌الدین





اسماعیل، مدّاح جلال الدّین خوارزمشاه که خود در سال ۶۳۵ هـ. ق. به دست مغولان در اصفهان کشته شد، دربارهٔ قتل عام سال ۶۳۳ هـ. ق. مغولان در اصفهان می‌گوید: کس نیست که تا بر وطن خود گرید بر حال تباه مردم بدگرید دی بر سر مرده یی دو صد شیون بود امروز یکی نیست که بر صد گرید با حملهٔ ویرانگر مغولان و بعد از آن، هجوم و حشیانهٔ تیمور و حکومت ظالمانهٔ این دو، نه تنها بناها و آبادانی‌ها، بلکه بنیان فرهنگ و اخلاق نیز تباه و ویران گردید و دوستداران فرهنگ و اخلاق که سرخورده و مأیوس شده بودند، اغلب منزوی شدند و به تصوّف پناه بردند تا به آرامش برسند و برای تسکین خود به ادبیاتی روی آوردند که بر عواطف انسانی، ترویج روحیهٔ تسامح^۱ و تساهل^۲، خدمت به خلق، آزادگی و اعتقاد به بی‌ثباتی دنیا تکیه داشت.

در اواخر دورهٔ مغول، بساط حکومت آخرین خلیفهٔ عباسی (المستعصم بالله) برچیده شد و با توجه به پایان یافتن خلافت، زبان رسمی و رایج عربی و نگارش به آن از رواج افتاد و توجه به زبان فارسی که زبان تودهٔ مردم بود، رونق بیشتری گرفت.

دلیل نام‌گذاری سبک این دوره به «عراقی» این است که بعد از مغول کانون‌های فرهنگی از خراسان به عراق عجم منتقل شد (این امر از زمان سلجوقیان آغاز شده، اما خراسان هنوز به‌طور کامل ویران نشده بود) و شاعران و نویسندگان بزرگ در این دوره غالباً از اهالی شهرهای عراق عجم (اصفهان، همدان، ری، اراک کنونی و ...) بودند.

وضعیت زبان و ادبیات فارسی در این دوره، مثل بسیاری از دانش‌های دیگر، با دوره‌های پیش از خود متفاوت شد و به نوعی دچار سستی و نابسامانی گردید؛ چرا که بسیاری از دانشمندان و ادیبان کشته و یا متواری شدند و دیگر از دربارهای ادب‌دوست و خاندان‌های فرهنگ‌پرور خبری نبود؛ اما در کنار این عوامل مخرب و منفی، در این دوره

۱. مدارا

۲. آسان گرفتن بر یکدیگر



عوامل مثبتی نیز وجود داشت که رشد زبان و ادبیات و اعتبار ادیبان و اندیشمندان را موجب شد. با انتقال قدرت از خراسان به مرکز ایران، زبان و ادبیات فارسی در ناحیهٔ عراق عجم گسترش یافت و در حوزه‌های ری، فارس، همدان و اطراف آنها آثار ارزشمندی پدید آمد و زمینه‌هایی برای تغییر سبک از خراسانی به عراقی ایجاد شد. در این زمان قالب‌های جدیدی نیز در شعر و نثر پدید آمد.

شعر این عصر، نرم و دلنشین و برخوردار از معانی عمیق انسانی و آسمانی شد و اکثر شاعران از حاکمان روی برتافتند. در نتیجه قصیده که پیش از این در خدمت ستایش فرمانروایان بود، کمرنگ شد و غزل که زبان دل و عشق بود، گسترش یافت؛ البته قالب مثنوی نیز برای ظهور عاطفه، اخلاق و عرفان میدان فراخی پدید آورد و در نمونه‌های ارزشمندی مانند مثنوی مولوی، حماسه‌ای عرفانی سروده شد که قهرمانش، انسان پاک‌نهاد و خداجویی است که به نبرد با هوای نفس می‌پردازد.

نثر در این دوره بیشتر به دو جریان گرایش پیدا کرد: یکی: «ساده‌نویسی» در آثاری مثل طبقات ناصری و مرصادالعباد و دیگر: «پیچیده‌نویسی»، با محتوای عمدتاً تاریخ حاکمان وقت که در آثاری همچون تاریخ و صاف و تاریخ جهانگشای جوینی دیده می‌شود. معروف‌ترین شاعران و نویسندگان این دوره:

مولانا جلال الدین بلخی معروف به مولوی، از شاخص‌ترین شاعران عارف است، که در دو محور اندیشه و احساس آثار جاودانه‌ای پدید آورد. او در مثنوی معنوی و دیوان شمس، بسیاری از معارف بشری و مسایل عرفانی را بیان کرده است.



سعدی، فرمانروای ملک سخن، سی و پنج سال گرد جهان گشت، تجربه اندوخت و از هر خرمنی خوشه‌ای چید و گلستان را به نثر مسجع و بوستان را در قالب مثنوی پدید آورد؛ دو اثر ارزشمندی که به ما درس اخلاق و حکمت را می‌آموزد. استاد سخن نه تنها در ادبیات تعلیمی سخن گوی ضمیر خودآگاه ایرانی است، در سرودن غزل‌های عاشقانه نیز سرآمد شاعران و نویسندگان فارسی زبان است. وی در بیشتر قالب‌های ادبی طبع آزمایی کرده و شاهکارهای ماندگاری در ادب فارسی به یادگار گذاشته است.

فخرالدین عراقی از دیگر شاعران نام‌آور این دوره و صاحب غزل‌های عرفانی زیبا است. مثنوی عشاق‌نامه او مشهور است او در هر فصل این مثنوی به یکی از مباحث عرفانی پرداخته و سخن را با تمثیل و حکایت به پایان رسانده است. همچنین در کتاب لمعات خود سیر و سلوک عارفانه را در قالب نظم و نثر بیان کرده است.

نجم‌الدین رازی (معروف به نجم‌دایه) از منشیان و نویسندگان توانا و از عارفان وارسته این دوره است. او کتاب مرصادالعباد من المبدأ الی المعاد را در بیان سلوک دین و تربیت نفس انسانی نوشت. نثر کتاب گاهی ساده و گاه دارای سجع و موازنه است. علاوه بر این نویسنده در خلال موضوعات کتاب، احادیث، آیات و اشعاری از خود و شاعران دیگر نقل می‌کند. این اثر که نثری شیوا، آراسته و دل‌انگیز دارد، در بین متون عارفانه از مرتبه‌ای والا بر خوردار است.

عظاملک جوینی از نثرنویسان این دوره است. خاندان او از افراد بانفوذ حکومت مغولان بود. وی از نوجوانی به کارهای دیوانی پرداخت و در سفرهای متعددی حضور داشت و اطلاعات فراوانی درباره تاریخ مغولان کسب کرد، که موجب تألیف کتاب تاریخ جهانگشا شد. این کتاب در شرح ظهور چنگیز، احوال و فتوحات او، تاریخ خوارزمشاهیان، فتح قلعه‌های اسماعیلیه و حکومت جانشینان حسن صباح نوشته شده است. نثر این کتاب مصنوع و دشوار است.

خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی یکی دیگر از چهره‌های علمی و سیاسی در عصر ایلخانان به شمار می‌رود. وی وزیر مقتدر غازان خان و اولجایتو بود. مهم‌ترین کتاب او



جامع‌التواریخ نام دارد که به نثری عالمانه و پخته نوشته شده است. اقدام مهم فرهنگی او تأسیس عمارت ربع رشیدی در تبریز است که در حکم دانشگاه آن زمان بوده است. **شمس قیس رازی** از نویسندگان زبردست این دوره است و اثر معروفش، المعجم فی معاییر اشعار العجم، از نخستین و مهم‌ترین آثار در علم عروض، قافیه، بدیع و نقد شعر است که نثری ساده و عالمانه دارد.

قرن هشتم

در این دوران به دلیل بی‌اعتقادی برخی از ایلخانان مغول و بی‌تعصبی برخی دیگر نسبت به مذاهب رایج، فرصتی پدید آمد تا صاحبان مذهب‌های مختلف عقاید خود را ابراز کنند. قلمرو بالتندگی زبان و فرهنگ فارسی نیز عرصه وسیعی یافت، به طوری که از شبه‌قاره هند تا آسیای صغیر، بسیاری به این زبان سخن می‌گفتند، ضمن اینکه مناطقی مثل مرکز ایران (عراق عجم)، به‌ویژه شهر شیراز همچنان در حکم مرکز ادبی این عصر به‌شمار می‌رفت.

از بین رفتن دربارهای ادب‌دوست ایرانی‌تبار، از رونق افتادن قصیده سرایی را در پی داشت و زبان شعر جز در سروده‌های شاعران شاخص، مانند خواجه و حافظ، به سستی گرایید.

خواجوی کرمانی از غزل‌پردازان برجسته این دوره است؛ شاعری که غزل‌های او بر حافظ نیز تأثیرگذار بوده، آنجا که سروده است:

استاد سخن سعدی است نزد همه کس؛ اما دارد سخن حافظ طرز غزل خواجه
خواجو چند مثنوی به پیروی از پنج گنج نظامی سروده که نشان‌دهنده استادی او در شاعری است. شعر او در مجموع، کمال یافته و پخته است.

ابن‌یمین، شاعر عصر سرداران، مردی دهقان‌پیشه بود که قدرت شاعری خود را در



قطعات اخلاقی آشکار کرده‌است. وی در شعر خود قناعت‌پیشگی و بی‌اعتباری دنیا را مورد تأکید قرار می‌دهد:

مرد آزاده در میان گروه گر چه خوش‌خو و عاقل و داناست،
محترم آنگهی تواند بود که از ایشان به مالش استغناست
وان که محتاج خلق شد، خوار است گر چه در علم، بوعلی سیناست

حافظ از شاعران سرآمد این قرن است. او با تلفیق عشق و عرفان، غزل فارسی را به کمال رسانید. لحن سخن او گزنده، طنزآمیز و سرشار از خیرخواهی و اصلاح‌طلبی است. در غزل او، فرهنگ گذشته ایران با همه کمال ایرانی - اسلامی خود رخ می‌نماید و شعرش به قول خود او «همه بیت‌الغزل معرفت» است:

شعر حافظ همه بیت‌الغزل معرفت است آفرین بر نفس دلکش و لطف سخنش

سلمان ساوجی از دیگر شاعران این دوره است که در غزل توجه خاصی به سعدی و مولوی داشته و دارای قصایدی نیز در سبک عراقی است. مثنوی جمشید و خورشید او به شیوه داستان‌های نظامی سروده شده است.

عبیدزاکانی شاعر خوش ذوق و آگاهی است که نکته‌یابی و انتقادهای ظریف اجتماعی او معروف است. شاعری که نامالایمات اوضاع آشفته روزگار خود را بر نمی‌تافت و تزویر و ریاکاری حاکمان را در آثارش به تصویر می‌کشید.

او در منظومه موش و گربه ناهنجاری‌های اجتماعی را به خصوص در دو طبقه حاکمان و قاضیان به شیوه تمثیل بیان کرده است. این شوخ‌طبع آگاه نه تنها در شعر، که در نثر نیز دارای طنزهای ماندگاری است و رساله دلگشا، اخلاق‌الاشراف و صدپند از آن جمله‌اند.

حمدالله مستوفی از مورخان مشهور ایران و نویسنده کتاب تاریخ‌گزیده است. این کتاب تاریخ پیامبران، خلفای چهارگانه، خلفای بنی‌عباس و تاریخ ایران را تا سال ۷۳۰ هـ. ق. در بر می‌گیرد.





قرن نهم

بعد از غارت‌ها و ویرانگری‌های مغولان، ایران دستخوش حمله بنیان برانداز دیگری شد و بر اثر آن بنیۀ فرهنگی، ادبی و اجتماعی کشور یکسره نابود گردید. این حادثه به وسیلۀ تیمور گورکانی صورت گرفت و آنچه پس از حمله مغول سالم یا نیمه سالم مانده (مثل فارس) و یا در زمان ایلخانان مغول (جانشینان چنگیز) مختصر تجدید حیاتی یافته بود، همه از میان رفت. تیموریان تقریباً از نیمۀ دوم قرن هشتم تا اوایل قرن دهم در ایران حکومت کردند و ویرانگری‌های آنها ادامه داشت. البته بازماندگان تیمور، همچون بازماندگان چنگیز، کم و بیش از فرهنگ ایرانی تأثیر پذیرفتند و بعد از مدتی در ایران متمدن شدند. در عهد آنان، علاوه بر گسترش هنرهایی چون مینیاتور، معماری و تذهیب، تاریخ‌نویسی نیز به همان اسلوب ساده رواج یافت و ادبیات رونقی تازه گرفت و کسانی مانند جامی و دولت‌شاه کتاب‌های ارزشمندی نوشتند؛ هر چند این رونق، بنیادی نبود و کتاب‌های تحقیقی این دوره عمدتاً سطحی و ادبیات دوره نیز تقلیدی و فاقد نوآوری بود.

پس از مرگ تیمور، شاهرخ توانست شهر هرات را مرکز فرمانروایی خود قرار دهد. او با علاقه‌ای که به هنر و فرهنگ اسلامی پیدا کرده بود، از هنرمندان خوش‌نویس، نقاش و شاعر حمایت نمود. بایسنقر میرزا پسر او نیز هنرمند و هنردوست بود و در زمان او هنرمندان، قرآن کریم و شاهنامه فردوسی را به خط خوش نگاشتند و با تصاویری زیبا آراستند و آثاری ماندگار از هنر اسلامی عرضه کردند.

از شاعران و نویسندگان معروف این دوره افراد زیر را می‌توان نام برد:

جامی، معروف‌ترین شاعر این قرن، کتاب بهارستان را به سبک گلستان سعدی نوشت و در کتاب نفحات‌الانس خود نیز شیوه تذکرة‌الاولیای عطار را در بیان حقایق عرفانی و ذکر احوال عارفان به کار برد. او همچنین مثنوی‌هایی به پیروی از نظامی سرود که تحفة‌الاحرار یکی از آنهاست:

گفت به مجنون صنمی در دمشق، کای شده مستغرق دریای عشق،
عشق چه و مرتبه عشق چیست؟ عاشق و معشوق در این پرده کیست؟
عاشق یک‌رنگ و حقیقت‌شناس گفت که ای محو امید و هراس،
نیست به جز عشق در این پرده کس اول و آخر همه عشق است و بس

شاه نعمت‌الله ولی از دیگر شاعران این دوره است که در تصوّف و طریقت مقامی بلند داشته و سرسلسله صوفیان نعمت‌اللهی به شمار می‌رود. دیوان شعرش مضامین عرفانی دارد.

دولت‌شاه سمرقندی از نویسندگان این قرن است که تذکرة دولت‌شاه را به تشویق امیرعلی شیر نوایی نوشته است. این کتاب شرح احوال بیش از صد تن از شاعران ایرانی از آغاز تا زمان مؤلف است.

جلال‌الدین دوانی دیگر نویسنده این قرن است. کتاب اخلاق جلالی که موضوعش اصول اخلاقی است، یکی از آثار اوست.

خودارزیابی

- ۱ حمله مغول بر محتوای شعر و نثر قرن هفتم چه تأثیراتی گذاشت؟
- ۲ دو جریان نثر قرن هفتم را از نظر ویژگی‌های زبانی بررسی کنید.
- ۳ شعر سبک عراقی را با شعر سبک خراسانی از نظر قالب مقایسه کنید.
- ۴ فکر و اندیشه غالب بر آثار مولانا جلال‌الدین را بیان کنید.
- ۵ چه عواملی سبک ادبیات فارسی را از خراسانی به عراقی تغییر داد؟ آنها را بررسی کنید.
- ۶ کدام یک از ویژگی‌های فکری سبک عراقی موجب پیدایش عرفان در قرن هفتم شد؟



۷ جدول زیر را تکمیل کنید:

موضوع و محتوا	نوع نثر کتاب	نام نویسنده	
			گلستان
			مرصاد العباد
			تاریخ جهانگشا



درس دوم

پایه‌ها روایر



به شکل زیر نگاه کنید و نظمی را که در صدای حرکت قطار و پی هم آمدن واگن‌ها وجود دارد، به یاد بیاورید:



هنگامی که صدای پیوسته و یکنواخت حرکت قطار در ذهن مرور می‌شود، نظمی را در رفتار و صدای آن، درک می‌کنیم. با کمی درنگ و تأمل در پدیده‌ها و عناصر طبیعی، گونه‌ای نظم و سامان در رفتار آنها درک می‌شود؛ مثلاً پی هم آمدن شب و روز، گردش فصل‌ها، حرکت آهنگین عقربه‌های ساعت، حرکت پای دوچرخه‌سوار و بازگشت متوالی آن به نقطه نخست، موزون و موسیقایی است و نوعی تداوم و تکرار منظم را به چشم و گوش شنونده، می‌رسانند، که معمولاً، گوشنواز و دلنشین‌اند.

کلام ادبی یا شعر هم که آهنگین و موسیقایی است، پایه‌ها و پاره‌های آوایی موزون دارد؛ همسنگی این پایه‌ها در شعر، به گونه‌ای است که انسان، با شنیدن یا خواندن آنها احساس لذت می‌کند. به هنگام رویارویی با شعر، باید



بکشیم خود را در فضای آهنگین آن قرار دهیم تا سُبک و سنگینی بارِ آوایی آن را درک کنیم و در خواندن نیز با همان نظم موسیقایی، خوانش آن را پیش ببریم. بیت‌های زیر را می‌خوانیم:

ای ساربان، آهسته ران، کارام جانم می‌رود و آن دل که با خود داشتم، بادل ستانم می‌رود
من مانده‌ام مهجور از او، بیچاره و رنجور از او گویی که نیشی دور، از او در استخوانم می‌رود
محمل بدارای ساروان، تندی مکن با کاروان کز عشق آن سروروان، گویی روانم می‌رود

سعدی

اکنون همین شعر را با چینش جدید، بازخوانی می‌کنیم و به آهنگی که از خوانش آن، احساس می‌شود، گوش می‌سپاریم:

ای ساربان	آهسته ران	کارام جانم	نم می‌رود
وان دل کب با	خُد داش تم	بادل ستانم	نم می‌رود

بدانسان که دیده و شنیده می‌شود، با خوانش درست شعر، به درنگ منظم و یکنواختی که بعد از هر دسته از هجاها وجود دارد، پی می‌بریم. خانه‌ها، به گونه‌ای منظم کنار هم چیده شده‌اند؛ به هر یک از این خانه‌ها که برش آوایی ایجاد کرده‌اند، پایه یا رکن عروضی می‌گویند. پایه‌ها مانند آجرهایی هستند که در ساخت بنای شعر، به کار می‌روند. وزن شعر در حقیقت حاصل چینش به سامان این پایه‌های آوایی یا ارکان عروضی است. وزن از توالی چند ضرب آهنگ تولید می‌شود که برای موزون کردن نوای موسیقی کلام، به کار می‌رود. اکنون به نمونه‌های زیر و چگونگی شکل‌گیری پایه‌های آوایی و نظم آنها، توجه کنید:

۱ هر که چیزی دوست دارد، جان و دل بروی گمارد

هر که محرابش تو باشی، سر ز خلوت بر نیارد

سعدی

هَرکِ چی زی	دو ست دا رَد	جانُ دِلِ بَر	وی گُ ما رَد
هَرکِ مِحِ را	بَش تُّ باشی	سَر زِ خَلِ وَت	بَر نَ یا رَد

۲ ز کوی یار می آید، نسیم باد نوروزی
از این باد ارمد خواهی، چراغ دل بر افروزی

حافظ

ز کوی یا	ر می آید	ن سی مِ با	دِ نوروزی
آزین با دَر	م دَدِ خاهی	چِ راغِ دِل	بَ رَفِ روزی

۳ خدایا تو دانی که بر ما چه آمد
خدایا تو دانی که ما را چه می شد؟

مولوی، غزلیات شمس

خُ دا یا	تُ دانی	کِ بر ما	چِ آمد
خُ دا یا	تُ دانی	کِ ما را	چِ می شُد

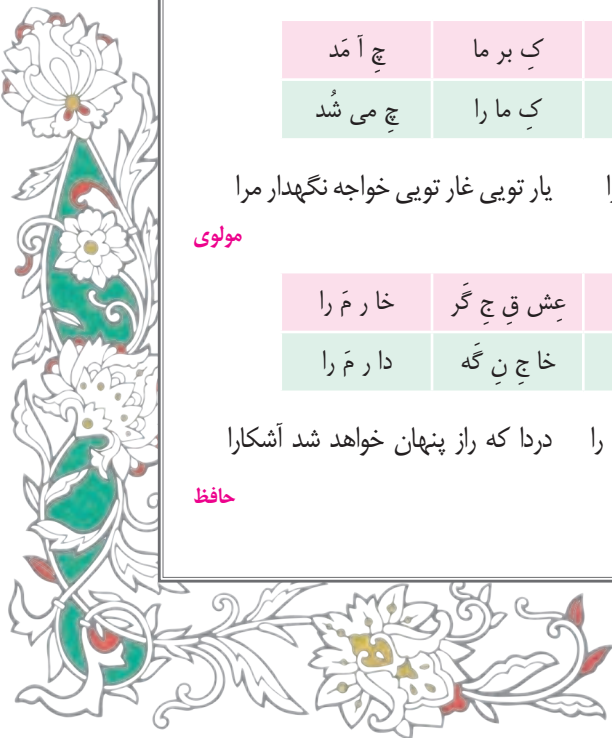
۴ یار مرا غار مرا عشق جگر خوار مرا
یار تویی غار تویی خواجه نگهدار مرا

مولوی

یار مَ را	غار مَ را	عِشِ قِ چِ گَر	خا ر مَ را
یار تُّ بی	غار تُّ بی	خا چِ نِ گَه	دا ر مَ را

۵ دل می رود ز دستم صاحب‌دلان خدا را
دردا که راز پنهان خواهد شد آشکارا

حافظ



دل می رَوَد	زِ دَس تَم	صاحبِ دِلان	خُ دا را
دَر دا کِ را	زِ پَن هان	خا هَد شُ دا	ش کا را

با خوانش درست ابیات و جداسازی پایه‌ها (ارکان)، درمی‌یابیم که بعد از هر پایه، درنگی وجود دارد. درنگ‌های پایان هر پایه، مرز پایه‌های آوایی را به ما نشان می‌دهند. پی‌هم قرار گرفتن پایه‌های آوایی و درنگ‌هایی که در پایان هر پایه می‌آید، موسیقی و آهنگی را در خوانش بیت‌ها پدید می‌آورد.

چگونگی تفکیک پایه‌ها و خوانش بیت‌ها، نظم دیداری و شنیداری را به ما نشان می‌دهند؛ این نظم سبب درک پایه‌های آوایی و لذت از موسیقی متن، می‌شود.

خودارزیابی

۱ با خوانش درست ابیات، مرز پایه‌های آوایی آن را مشخص کنید و هر پایه را در خانه خود قرار دهید:

الف) ای خوش منادی‌های تو در باغ شادی‌های تو
بر جای نان شادی خورد جانی که شد مهمان تو

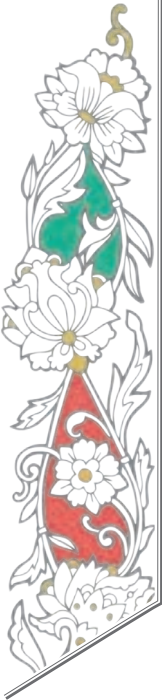
مولوی

.....	دَر باغِ شا
.....	شا دی خُ رَد

ب) دلم را داغ عشقی بر جبین نه زبانم را بیانی آتشین ده

وحشی بافقی

.....	جَ بینِ نه
.....	زَ با نَم را



(پ) اسیرش نخواهد رهایی ز بند شکارش نجوید خلاص از کمند

سعدی

.....	رَها یی
.....	نَ جو یَد

(ت) عنکبوتی را به حکمت دام داد صدر عالم را درو آرام داد

عطار

.....	را بِ حِک مَت
.....

(ث) بیا تا گل برافشانیم و می در ساغر اندازیم
فلک را سقف بشکافیم و طرحی نو دراندازیم

حافظ

.....	بَ رَف شانی
.....	مُ طَر حی نُو

۲ با خوانش درست بیت‌ها، مرز پایه‌های آوایی آن را مشخص کنید، سپس خانه‌هایی به تعداد آن، طُرّاحی نموده، هر پایه را در خانه خود جای دهید.

(الف) یارب از عرفان مرا پیمان‌های سرشار ده چشم بینا جان آگاه و دل بیدار ده

صائب تبریزی

(ب) مکن پیش دیوار غیبت بسی بود کز پیش گوش دارد کسی

سعدی



پ باران اشکم می دود وز ابرم آتش می جهد
با پختگان گو این سخن، سوزش نباشد خام را

سعدی

ت هر کسی را سیرتی بنهادهام هر کسی را اصطلاحی دادهام

مولوی

ث مرا گه گه به دردی یاد می کن که دردت مرهم جان می نماید

فخرالدین عراقی

۳ با توجه به آهنگ بیت‌های داده شده، با ذوق خود، پایه‌های آوایی مناسب (غیر از واژه‌های بیت) را تولید کنید و آن را در خانه‌های خالی بنویسید.

الف من که دارم در گدایی گنج سلطانی به دست
کی طمع در گردش گیتی دون پرور کنم

حافظ

مَن کِ دَا رَم	دَر گِ دَا یِی	نِی بِ دَسْت
کِی طَمَع دَر	وَر کُ نَم

ب من امشب آمدستم وام بگذارم حسابت را کنار جام بگذارم

اخوان ثالث

مَ نِم شَبِ آ
.....	کِ نَا رِ جَا	م بگ دَا رَم

پ) دلبر جانان من برد دل و جان من برد دل و جان من دلبر جانان من

حافظ

جانِ مَن	نا نِ مَن	دِل بَ رجا
.....

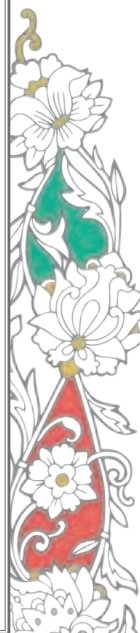
۴ پیامدهای حمله مغولان را بر زبان فارسی در قرن هفتم بررسی کنید.

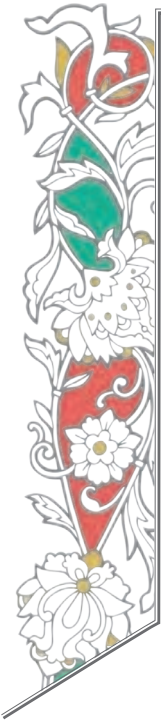




شاعران و نویسندگان به زبان، نگاه زیباشناسانه دارند. آنها معانی ذهنی خود را با استفاده از آرایش‌های لفظی و معنوی و عناصر علم بیان به اشکال گوناگون به دیگران منتقل می‌کنند و کلام ساده و عادی را به سخنی ادبی و هنری تبدیل می‌کنند؛ برای مثال هنرمند ادیب بارش باران و طلوع خورشید را با چنین عباراتی بیان می‌کند:

سخن عادی	سخن ادبی
باران بارید.	۱. ابر آمد و باز بر سر سبزه گریست. ۲. مروارید باران از چشم ابر چکید. ۳. بهاران که شاباش ریزد سپهر/ به دامن گلشن ز رگبارها
خورشید طلوع کرد.	۱. گل خورشید شکفت. ۲. پادشاه مشرق چهره نمود. ۳. خسرو خاور علم بر کوهساران زد.





از نظر ادبی شیوه‌های گوناگونی برای آفرینش تخیل و بیان معنا وجود دارد که مهم‌ترین آنها چهار آرایه تشبیه، مجاز، استعاره و کنایه هستند و آنها را در حوزه علم بیان بررسی می‌کنند.

اکنون این جمله را با هم می‌خوانیم:

دانا چو طبله عطار است؛ خاموش و هنرنمای.

گلستان سعدی

در این نمونه نویسنده با برابر نهادن دانا و طبله عطار، آن دو را به هم مانند کرده‌است و ویژگی‌های خاموشی و هنرنمایی را در آنها مشترک می‌بیند و این شباهت را برای مخاطب محسوس‌تر و زیباتر بیان می‌کند. برقراری رابطه همانندی میان دو چیز را آرایه «تشبیه» می‌نامند. بهره‌گیری از تشبیه، سخن را خیال‌انگیز می‌کند.

در بیت زیر هم آرایه تشبیه را مشاهده می‌کنید:

صد هزاران دام و دانه است ای خدا ما چو مرغان حریص بی‌نوا

مولوی

هر تشبیه ریشه در نوع نگاه و تفکر گوینده دارد و آنچه موجب زیبایی تشبیه می‌شود، وجه شباهتی است که شاعر و نویسنده به آن دست یافته است. تشبیه چهار پایه یا رکن دارد:

۱ مشبّه:

پدیده‌ای است که آن را به پدیده‌ای دیگر مانند می‌کنیم؛ مثل «ایام گل» در مصراع زیر:
ایام گل چو عمر به رفتن شتاب کرد.

حافظ

۲ مشبّه‌به:

پدیده‌ای است که مشبّه را به آن مانند می‌کنیم؛ مثل «گل» در مصراع زیر:
تو هم چون گل ز خندیدن لب‌ت با هم نمی‌آید.

سعدی

۳ وجه‌شبه:

ویژگی یا صفت مشترک میان مشبّه و مشبّه‌به است که در مشبّه‌به پررنگ‌تر و آشکارتر است؛ مانند «کریم» در مصراع زیر:
گرت زدست برآید چو نخل باش، کریم.

گلستان سعدی

۴ ادات تشبیه:

واژه‌ای است که آن را برای بیان شباهت میان دو پدیده به کار می‌بریم. واژه‌های: چو، مثل، مانند، گویی، همچون، به سان، به کردار و... از این دسته‌اند، برای مثال «چون» و «وش» در بیت زیر ادات تشبیه‌اند.
این زبان چون سنگ و هم آهن وش است و آنچه بجهد از زبان، چون آتش است

مولوی

چهار رکن تشبیه را در مثال‌های زیر مشخص کنید:

● بلم آرام چون قویی سبک‌بار به نرمی بر سر کارون همی‌رفت

فریدون توللی

● شب در تمام پنجره‌های پریده‌رنگ

مانند یک تصوّر مشکوک

پیوسته در تراکم و طغیان بود.

فروغ فرخزاد

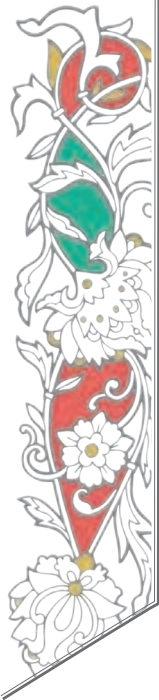
● و او به شیوهٔ باران پر از طراوت تکرار بود.

سهراب سپهری

انواع تشبیه از نظر پایه‌ها (ارکان)

تشبیه را بر اساس این چهار پایه می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: گسترده و فشرده.





الف) گسترده

از میان رکن‌های تشبیه، ذکر مشبّه و مشبّه به ضروری است؛ اما وجه شبهه و ادات تشبیه را می‌توان حذف کرد. به تشبیهی که چهار رکن یا سه رکن را در خود داشته باشد، تشبیه گسترده می‌گویند؛ نمونه‌های زیر از این نوع هستند:

زندگی آتشگهی دیرنده پا برجاست /
گر بیفروزش رقص شعله‌اش در هر کران پیداست /
و رنه خاموش است و خاموشی گناه ماست.

سیاوش کسرائی

در این تشبیه سه رکن تشبیه وجود دارد و ادات حذف شده است.
نامت در چشمانم / چون لاله، سرخ / چون نسترن، سپید / و مثل سرو سبز می‌ایستد.

منوچهر آتشی

مثال دیگر:

سینه باید گشاده چون دریا تا کند نغمه‌ای چو دریا ساز

هوشنگ ابتهاج

در تشبیه‌های بالا چهار رکن وجود دارد.

ب) تشبیه فشرده

تشبیهی که فقط دو رکن اصلی یعنی مشبّه و مشبّه به دارد، تشبیه فشرده است. در عبارت:

ای مهتر، آفتاب چراغ آسمان است و تو چراغ زمینی، آفتاب چراغ دنیاست، تو چراغ دینی.

کشف الاسرار میبدی

حذف وجه شبهه و ادات تشبیه، تشبیه را خلاصه کرده است. به این نوع تشبیه، تشبیه رسا (بلیغ) نیز می‌گویند. این تشبیه کلام را ادبی‌تر و زیباتر می‌کند.

تشبیه فشرده گاه به صورت ترکیب اضافی (مضاف و مضاف‌الیه) و گاه به صورت غیر ترکیبی به کار می‌رود (تشبیه‌های غیر ترکیبی معمولاً به صورت جمله اسنادی هستند)؛ برای مثال:

کیمیای سعادت (ترکیب اضافی)
سعادت، کیمیا است. (غیر ترکیبی)
در مثال‌های زیر:

الف) دست‌از‌مس وجود چو مردان‌ره بشوی تا کیمیای عشق بیابی و زر شوی

حافظ

ب) آتش خشم اول در خداوند خشم افتد؛ پس آنگه زبانه به خصم رسد یا نرسد.

گلستان سعدی

وجود به مس، عشق به کیمیا و خشم به آتش در ترکیب‌هایی اضافی مانند شده‌اند. چند نمونه دیگر از این نوع تشبیه در ادامه آمده است:

گویند روی سرخ تو سعدی که زرد کرد؟ اکسیر عشق بر مسم افتاد و زر شدم

سعدی

نگارش دهد گلبن جویبار در آینه آب رخسارها

علامه طباطبایی

او را خود التفات نبودی به صید من من خویشتن اسیر کمند نظر شدم

سعدی





خود ارزیابی

۱ در ابیات زیر تشبیه‌های فشرده و گسترده را بیابید و پایه‌های آنها را مشخص نمایید:

(الف) اگر چو مرغ بنالم، تو همچو سرو ببالی و گر چو ابر بگریم، تو همچو غنچه بخندی

خواجوی کرمانی

(ب) پیش کمان ابرویش لابه همی کنم؛ ولی
گوش کشیده است؛ از آن گوش به من نمی کند

حافظ

(پ) دل گرفتار بلای عشق توست جان شهید کربلای عشق توست

وفایی

۲ وجه شبه را در شعرهای زیر مشخص کنید:

(الف) صدا چون بوی گل در جنبش آب به آرامی به هر سو پنخس می گشت

فریدون توللی

(ب) نفس کز گرم گاه سینه می آید برون، ابری شود تاریک.

چو دیوار ایستد در پیش چشمانت،

نفس کاین است، پس دیگر چه داری چشم

ز چشم دوستان دور یا نزدیک؟

مهدی اخوان ثالث

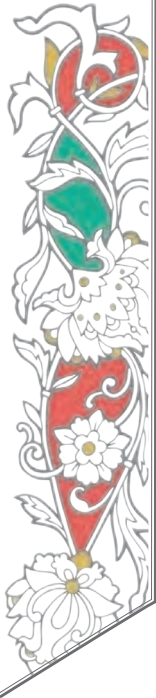
۳ دو پایه اصلی تشبیه را در اشعار زیر مشخص کنید:

(الف) پشت هیچستان چتر خواهش باز است،

تا نسیم عطشی در بن برگی بدود،

زنگ باران به صدا می آید.

سهراب سپهری



(ب) هر چه به گرد خویشان می‌نگرم در این چمن
آینهٔ ضمیر من جز تو نمی‌دهد نشان

هوشنگ ابتهاج

۴ نوع تشبیه را در ابیات زیر مشخص کنید:

(الف) اگر ای عشق پایان تو دور است دل‌م غرق تمنای عبور است
برای قد کشیدن در هوایت دل‌م مثل صنوبرها صبور است

سلمان هراتی

(ب) زمین چوسینهٔ سهراب زیر جوشن برگ فرو نشسته در آن ناوک صنوبر وغان

علی موسوی گرمارودی

(ب) مانند پنبه‌دانه که در پنبه تعبیه است اجرام کوه‌هاست نهان در میان برف

کمال‌الدین اسماعیل

۵ در اشعار زیر مشبّه و مشبّه‌به را مشخص کنید.

(الف) پاسی از شب رفته بود و برف می‌بارید،

چون پرافشان پری‌های هزار افسانه‌ای از یادها رفته

مهدی اخوان ثالث

(ب) روز چو شمعی به شب، زودرو و سرفراز شب چو چراغی به صبح، کاسته و نیم‌تاب

خاقانی

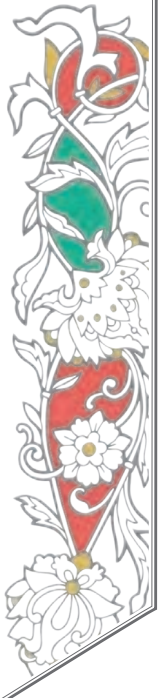
۶ تشبیه‌های به کار رفته در بیت‌های زیر دارای کدام یک از پایه‌های تشبیه‌اند؟

(الف) مرا، کز جام عشقت مست گشتم وصال و هجر یکسان می‌نماید

فخرالدین عراقی

(ب) گاهی که سنگ حادثه از آسمان رسد اوّل بلا به مرغ بلند آشیان رسد

سعدی



پ خانه دل ما را از کرم عمارت کن پیش از آن که این خانه رو نهد به ویرانی

شیخ بهایی

ت حریر باورم از شعله ندامت سوخت که بر کویر عطشناک نیستم چون ابر

مشفق کاشانی

۷ در هر یک از نمونه‌های زیر ادات تشبیه را مشخص کنید:

الف مرا در دل درخت مهربانی به چه ماند؟ به سرو بوستانی

فخرالدین اسعد گرگانی

ب آورده‌اند که در ناحیت کشمیر متصدی خوش و مرغزاری نزه بود که از عکس ریاحین او پر زاغ چون دم طاووس نمودی و در پیش جمال او دم طاووس به پر زاغ مانستی.

کلیله و دمنه

پ هرگز کسی نداد بدین سان نشان برف گویی که لقمه‌ای است زمین در دهان برف

کمال‌الدین اصفهانی

۸ در اشعار ذکر شده در خودارزیابی‌های درس ۳ ابیاتی را که مربوط به شاعران

قرن‌های ۷ و ۸ و ۹ است، بیابید و بگویید کدام نوع تشبیه (گسترده یا فشرده) در آنها بیشتر است؟

۹ در بیت:

«چو دریای خون شده دشت و راغ جهان چون شب و تیغها چون چراغ»

فردوسی

پایه‌های آوایی را مشخص کنید؛ سپس خانه‌هایی به تعداد آنها طراحی نموده و هر پایه را در خانه خود قرار دهید.



فصل کارگاه تحلیل



۱ متن زیر را از نظر تاریخ ادبیات و زیبایی‌شناسی بررسی کنید:

«پس از ابر کرم، باران محبت بر خاک آدم بارید و خاک را گل کرد و به ید
قدرت در گل از گل دل کرد.»

مرصاد العباد

۲ با توجه به آموخته‌های فصل یکم، شعر زیر را بررسی و تحلیل کنید:

مرده بدم زنده شدم؛ گریه بدم خنده شدم	دولت عشق آمد و من دولت پاینده شدم
دیدۀ سیر است مرا، جان دلیر است مرا	زهرۀ شیر است مرا، زهرۀ تابنده شدم
گفت که شیخی و سری، پیشرو راهبری	شیخ نی ام، پیش نی ام، امر تو را بنده شدم
گفت که با بال و پری، من پر و بالت ندهم	در هوس بال و پرش بی پر و پرکنده شدم
چشمۀ خورشید تویی، سایه گه بید منم	چون که زدی بر سر من پست و گدازنده شدم
شکر کند چرخ فلک، از ملک و ملک و ملک	کز کرم و بخشش او روشن و بخشنده شدم
شکر کند عارف حق، کز همه بردیم سبق	بر زبر هفت طبق، اختر رخشنده شدم

مولوی

